

امکان سنجی سواحل مکران برای پیاده سازی الگوی دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

یحیی آل اسحاق^۱

رضا توکلی^۲

رستم ضیائی^۳

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

^۱. دکترای مدیریت راهبردی، وزیر اسبق بازرگانی، تهران، ایران. aaleshagh.ir@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. tavakoli.reza1374@yahoo.com

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

r.zyaei@isu.ac.ir

چکیده

دیپلماسی اقتصادی در رابطه با اداره روابط اقتصادی خارجی در مناسبات دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی اهمیتی روزافزون یافته است. به‌طوری‌که علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، ابزاری برای اهداف سیاسی، امنیتی و حتی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آید. از همین رو تصریح اسناد بالادستی و ضرورت‌های محیطی و تاریخی، توجه به این مهم را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارتقا بخشیده است. توسعه سواحل مکران نیز از جمله رویکردهای معاصر در برنامه‌ریزی‌های پیشرفت اقتصادی ایران است که از آن تحت عنوان پیشران توسعه ملی نیز یاد می‌شود. عقب‌ماندگی‌های زیرساختی، شاخص‌های نامناسب اقتصادی و تصویر نامطلوب و بیش از حد امنیتی این منطقه در عین وجود ظرفیت‌های کم‌نظیری چون اتصال به آب‌های آزاد، برخورداری از خط ساحلی ممتد، جاذبه‌های گردشگری دریایی، موقعیت مناسب در مسیرهای بین‌المللی، شرایط زیست‌محیطی مناسب برای کشاورزی و شیلات، منابع کافی برای تولید و تجارت انرژی‌های تجدیدپذیر و زنجیره ارزش انرژی‌های فسیلی، اهمیت موضوع توسعه سواحل مکران را روشن می‌سازد. البته این مهم نیازمند راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) مشخص، برگرفته از اسناد ملی بالادستی و منطبق با شرایط و ویژگی‌های آن منطقه است. از این رو، پرسش اصلی در نوشتار حاضر آن است که آیا منطقه مکران امکان پیاده‌سازی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را داراست؟ در این رابطه به تطبیق خصوصیات توسعه منطقه‌ای مکران با الگوی یاد شده پرداخته می‌شود. بنا بر چارچوب نظری و یافته‌های پژوهش حاضر، دیپلماسی اقتصادی که از الگوواره‌ای منطبق با اسناد بالادستی و متناسب با ویژگی‌های منطقه مکران برخوردار است؛ امکان لازم برای اتخاذ به‌عنوان راهبرد توسعه منطقه‌ای در این سواحل را داراست. در این راستا، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش بررسی اسنادی به گردآوری اطلاعات پرداخته شده و از روش مطالعه موردی (Case Study) در تحلیل مسئله بهره‌برداری گردیده است.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی، سواحل مکران، توسعه منطقه‌ای.

مقدمه

برداشت‌های نوین از روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که سویه‌های اقتصادی در سیاست خارجی کشورها به طور روزافزون اهمیت پررنگ‌تری یافته است. کیفیت نسبت میان مقوله اقتصاد و عنصر محوری ثروت با مقوله سیاست و عنصر محوری قدرت از مهم‌ترین پرسش‌های نظریه‌پردازان نیز بوده است. برخی (به طور عمده در چارچوب بررسی‌های لیبرال و نئولیبرال) اصالت را به مقوله اقتصاد و آثار توسعه‌ای آن همچون رفاه جوامع داده‌اند و برخی دیگر (به طور عمده در چارچوب بررسی‌های رئالیسم) اقتصاد را در خدمت افزایش حداکثری مفهوم قدرت تلقی کرده‌اند.

دیپلماسی اقتصادی که معنای مصطلح و امروزی آن در دوران پس از جنگ جهانی دوم رایج شده است با پایان دوران جنگ سرد بروز بیشتری در سیاست خارجی دولت‌ها و دیگر کنشگران نظام بین‌الملل یافت. در چنین وضعیتی بازیگران روابط اقتصادی بین‌الملل می‌کوشند تا به طور دوسویه از ابزارهای غیراقتصادی برای کسب سهم بیشتر از اقتصاد جهانی بهره یابند و در مقابل با استفاده از این قدرت اقتصادی، منافع سیاسی، فرهنگی و امنیتی خود را نیز محقق سازند. به عبارتی دیگر دیپلماسی اقتصادی چه از منظر به خدمت گرفتن منابع قدرت غیراقتصادی برای منافع تجاری و مالی و چه از منظر به خدمت گرفتن ابزارهای اقتصادی برای کسب اهدافی همچون امنیت ملی یا منزلت بین‌المللی در ارتباطی تنگاتنگ با طرح توسعه سواحل مکران قلمداد می‌شود. این مهم در دوره کنونی از نظم سیال جهانی ایجاب می‌کند تا جمهوری اسلامی ایران نیز با تکیه بر امکانات موجود و منطبق با اسناد بالادستی الگوی دیپلماسی اقتصادی را پیگیری و پیاده‌سازی نماید. از جمله این امکانات اتصال جغرافیای ایران به هر سه گونه از دریاهای باز، بسته و نیمه‌باز است. سواحل مکران با عقبه تاریخی تمدنی و خصوصیات منحصر به فرد آن در طول دهه‌های گذشته از عقب‌ماندگی توسعه‌ای رنج برده است. جغرافیای سیاسی سواحل مکران در جنوب شرقی ایران نشان می‌دهد که راهبرد توسعه منطقه‌ای در آن ماهیتی اقتصادی و بین‌المللی دارد. از همین رو می‌توان سواحل مکران را دارای قابلیت‌های لازم برای پیاده‌سازی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقیاسی محلی دانست. زیرا از سویی توسعه این پهنه ساحلی و پس‌کرانه‌های آن متکی به مزیت‌های مرکب اقتصادی و نیازمند جلب همکاری‌های خارجی و از سوی دیگر در رقابت با

طرح‌های ژئواکونومیک برخی کشورهای همسایه و قدرت‌های بین‌المللی است؛ بنابراین توسعه سواحل مکران از جمله پرونده‌های راهبردی در سیاست خارجی کشور به‌ویژه با نگاه به آینده همکاری‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد بود. در همین راستا تصریح رهبر معظم انقلاب و ابلاغیه سیاست‌های کلی توسعه دریا محور، توجه ویژه به این امکان ژئوپلیتیکی در اتصال به آب‌های آزاد بین‌المللی را ضرورت می‌بخشد؛ بنابراین لازم است قابلیت این امکان خدادادی برای بهره‌برداری از الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی بررسی شود. موضوعاتی از قبیل جذب سرمایه‌گذاری و رونق تجارت خارجی، ترانزیت، گردشگری، مقابله با تحریم‌های مالی و تجاری، جلب مشارکت سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی اقتصادی، دریافت کمک‌های توسعه‌ای، بهبود تصویر و منزلت ملی و اتصال به زنجیره‌های ارزش در ابعاد منطقه‌ای و جهانی را در بر می‌گیرد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، تقویت جایگاه دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان راهبرد توسعه منطقه‌ای سواحل مکران است. سؤال اصلی پژوهش آن است که آیا توسعه سواحل مکران قابلیت پیاده‌سازی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را دارد؟ به‌تبع آن چیستی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی شرایط توسعه منطقه‌ای در سواحل مکران می‌تواند به‌عنوان سوالات فرعی طرح و بحث شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های توسعه منطقه‌ای در سواحل مکران تطبیق دوسویه‌ای با ابعاد و مؤلفه‌های مندرج در الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (به‌دست‌آمده از تحلیل اسناد بالادستی) را داراست.

رویکرد این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و در تحلیل موضوع از روش مطالعه موردی (Case Study) استفاده شده است. البته یادآوری می‌شود که در گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای مبتنی بر بررسی اسناد و کتاب‌های مرتبط با عنوان پژوهش و عمدتاً شامل مقالات، کتاب‌های تخصصی و منابع آماری و اسناد دسته اول داخلی (از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری) و منابع دسته اول خارجی (مانند کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد^۱ (UNCTAD)، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ (OECD) در حوزه دیپلماسی اقتصادی و مطالعه حوزه همسایگی و ارتباط آن با سواحل مکران) استفاده شده است.

^۱. The United Nations Conference on Trade and Development

^۲. Organisation for Economic Co-operation and Development

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات صورت گرفته در موضوع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که این حیطه پژوهشی کمتر مورد توجه مراکز تحقیقاتی و سیاست‌گذاری کشور قرار داشته است. حال اینکه از زاویه کاربست آن در توسعه منطقه‌ای سواحل مکران، این فقر محتوایی بروز بیشتری دارد. آثار خارجی نیز عموماً متوجه موضوعات نظری و مفهوم‌شناسی و یا مطالعات تطبیقی و تجربی به‌ویژه در مورد قدرت‌های نوظهوری چون چین، هند و اتحادیه اروپا هستند. بر این اساس، در یک نگاه کلی تنها چند عنوان مقاله فارسی با موضوع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ارتباط دیپلماسی اقتصادی و مقوله توسعه (منطقه‌ای) منتشر شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

صادقی شاهدانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «الگوی تدوین سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بررسی اسناد بالادستی» مبتنی بر تحلیل اسناد بالادستی به دنبال استخراج الگویی از دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند که در ادامه این پژوهش نیز به آن اشاره خواهد شد. اما تطبیق این الگو با برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در سواحل مکران که از اولویت‌های کنونی نظام برنامه‌ریزی کشور است در قلمرو بحث مقاله مذکور به شمار نمی‌آید.

دامن‌پاک جامی (۱۳۹۷) در مقاله «تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش رو» به مهم‌ترین نتایج مثبت و همچنین آسیب‌شناسی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به تفکیک ادوار دولت‌ها از ابتدای انقلاب اسلامی تا پایان دولت دوازدهم پرداخته است. هرچند مروری تطبیقی در عملکرد ادوار یاد شده صورت گرفته اما به ظرفیت‌های دوسویه میان دیپلماسی اقتصادی و توسعه تمرکز نداشته است.

سجادپور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «طراحی مدل دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی- ایران بایسته‌ها، مؤلفه‌ها و راهبردهای کلیدی» دستیابی به این الگو را مستلزم مفروضاتی از جمله هماهنگی دیپلماسی اقتصادی با کلیت سیاست خارجی کشور، توجه به حلقه‌های آرمانی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اداری، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، ژئوپلیتیکی و همچنین مقابله با روایت امنیتی از ایران می‌داند. هر چند اشاره به چنین بایسته‌هایی، هر الگوی پیشنهادی برای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را از قابلیت‌های واقعی بیشتری برخوردار می‌سازد؛

اما ابعاد پیاده‌سازی این الگو در چارچوب توسعه کشور یا پروژه توسعه یک منطقه (مانند سواحل مکران) را در ظرفیت بحث خود نمی‌داند.

ارغوانی و غلامی (۱۳۹۷) در مقاله «دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه‌های توسعه: آسیب‌شناسی برنامه‌های چهارم تا ششم» به بررسی چرایی قرارگیری دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه به‌عنوان اسناد بالادستی توجه نموده‌اند و در نهایت به بیان راهکارهایی جهت بهبود عملکردهای اجرایی در دیپلماسی اقتصادی اشاره داشته‌اند.

دانش نیا (۱۳۹۱) در مقاله «دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی» به ارتباط مفهومی و تجربه موفق برخی کشورها میان پیگیری دیپلماسی اقتصادی فعال و توسعه ملی تأکید نموده است. به‌رغم مباحث آمده در این پژوهش ارتباط آن با امر توسعه منطقه‌ای و به‌طور خاص سواحل مکران مدنظر نبوده است.

طباطبایی (۱۳۸۸) در مقاله «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی‌شدن» با تکیه بر ادبیات جهانی‌شدن به بیان مواردی از زمینه‌ها و همچنین اقداماتی در سطح ملی و بین‌المللی جهت فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. عدم ابتناء بر اسناد بالادستی در این نتیجه‌گیری پژوهشی و همچنین مدنظر نداشتن یک فضای جغرافیایی منطقه‌ای در بحث و تحلیل این پژوهش می‌تواند موردتوجه قرار گیرد.

در رابطه با پژوهش‌های انجام شده توسعه سواحل مکران با رویکردی بین‌المللی که از برخی ابعاد دیپلماسی اقتصادی یا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بهره برده است نیز به مواردی می‌توان اشاره داشت از جمله:

حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «نقش توسعه سواحل مکران و راهبرد دریاگرایی ایران بر توسعه محور شرق کشور» با تأکید بر اهمیت دریا و نقش آن در اقتصاد با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به واکاوی نقش سواحل مکران و سیاست راهبردی دریاگرایی ایران پرداخته‌اند؛ اما در این پژوهش به الگوی فعال‌سازی اقتصاد دریا محور باهدف توسعه سواحل اشاره نشده است.

دریاباری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «آمایش سرزمینی و توسعه سواحل مکران با تأکید بر مکان‌یابی و احداث شبکه‌های حمل‌ونقل در راستای ارتقای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک»

با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک سواحل مکران و رابطه آمایش سرزمینی و توسعه سواحل مکران با تأکید بر مکان‌یابی و احداث شبکه‌های حمل‌ونقل پرداخته است. در این پژوهش نویسندگان راهبردی برای ارتقای شاخص‌های اقتصادی منطقه مکران ارائه نداده‌اند.

لطفی و میرزاجانی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش و تأثیر سواحل خلیج فارس و منطقه مکران در اقتصاد بین‌الملل و تأثیر استراتژیکی آن بر ایران با ارائه یک مدل راهبردی در توسعه اقتصادی و سیاسی» با تبیین نقش و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در اقتصاد بین‌الملل به نقش و تأثیر سواحل خلیج فارس و منطقه مکران در اقتصاد بین‌الملل پرداخته است. مدل ارائه شده در این پژوهش منطبق با مضامین الگوی فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی در سواحل مکران نمی‌باشد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. توسعه منطقه‌ای

وقتی از مبحث توسعه سواحل مکران بحث می‌شود پایه نظری در این رابطه موضوع توسعه منطقه‌ای است. توسعه به معنای اعم آن مفهومی نزدیک و متأخر از مفهوم رشد است که علاوه بر افزایش کمی، بهبود کیفی را نیز در بر می‌گیرد. (Pritchett, 2021: 18) البته مبانی و آثار مفهوم توسعه بدان چه نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی در غرب به آن اعتنا داشته‌اند از خلل‌هایی رنج می‌برد (Coopre & Fitz Gerald, 2016: 105) بنابراین توصیف پیشرفت یا آبادانی، مفهومی نزدیک‌تر به وضعیت مطلوب و مورد انتظار نویسندگان نوشتار حاضر است. از تجربیات موجود جهانی این‌گونه برداشت می‌شود که توسعه به‌صورت عام و توسعه منطقه‌ای به طور خاص از اهداف اولیه همه اقتصادها بوده و تاکنون پژوهش‌های فراوانی در این باره انجام شده است (پری‌زادی و میرزاده، ۱۳۹۷: ۱۸۶). اما گاهی روش‌ها، مدل‌ها و شاخص‌های یک پژوهش تفاوت‌های معناداری را در بین مطالعات به وجود می‌آورد و زمانی این تحقیقات از احاطه بیشتری بر موضوع برخوردار هستند که بتوان تشخیص داد قابلیت تکرارپذیری آن همراه با نتایج مشابه خواهد بود.

توسعه منطقه‌ای مفهومی با پیشینه کمتر از مطلق مفهوم توسعه است که از نیمه قرن ۲۰ میلادی هم‌زمان با گسترش مباحثی نظیر توسعه‌گرایی و دولت‌های توسعه‌گرا میان ادبیات برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در آمریکای شمالی و بریتانیا مطرح شد. واضح است که مفهوم توسعه

منطقه‌ای، مقید و معطوف به جغرافیایی خاص و محدود است که بیشتر متناظر با واحد تقسیمات کشوری (استان و شهرستان) مورد توجه قرار می‌گیرد. البته هیچ‌گاه نمی‌توان ادعای نوعی استقلال در فهم و حتی عملیاتی‌سازی توسعه منطقه‌ای از توسعه در بُعد ملی دانست. رابطه میان مفهوم توسعه ملی و توسعه منطقه‌ای از سؤالات بسیار جدی محافل پژوهشی بوده است. حتی برخی توسعه منطقه‌ای را از پیامدهای توسعه ملی در معنای رشد اقتصاد کلان یک کشور دانسته‌اند؛ برخی نیز توسعه ملی را در گرو توسعه مناطق پنداشته‌اند (پری‌زادی و میرزازاده، ۱۳۹۷: ۱۹۷).

در بحث توسعه منطقه‌ای پژوهش‌ها و مدل‌های مختلفی در ادوار مختلف توسط مکاتب اقتصادی شکل گرفته است که هر یک، مفاهیم متفاوتی را برای توسعه و رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند. اما آنچه برای نویسندگان از اهمیت بالایی برخوردار بوده این است که در یک نگاه اجمالی در چند دهه اخیر مفهوم توسعه به طور اعم و مفهوم توسعه منطقه‌ای به طور اخص، رابطه تنگاتنگی با اصطلاح برنامه‌ریزی منطقه‌ای پیدا کرده است (پری‌زادی و میرزازاده، ۱۳۹۷: ۱۸۷). به طوری که در آرای نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی منطقه‌ای، آنچه هدف نهایی فرض می‌شود تحقق توسعه منطقه‌ای است. البته واضح است که بیشترین سهم از مطالعات توسعه منطقه‌ای را مقایسه میان مناطق توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته به خود اختصاص می‌دهد. نظریه مرکز - پیرامون از جمله دستگاه‌های تحلیلی در این حوزه است که نظام فضایی کشور را به دو زیر مجموعه تحت عنوان نظام مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند. نظریه‌پردازان مرکز - پیرامون همچون فریدمن، منطقه مرکزی را محل تجمع اطلاعات، تخصص، نوآوری و مستعد برای توسعه می‌دانند که به وسیله تسلط بر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی مناطق پیرامونی، به این پیشرفت دست یافته‌اند. بر این اساس، از اهداف توسعه منطقه‌ای، متعادل‌سازی شرایط و امکانات و حداقل ساختن تفاوت در کیفیت زندگی مردم مناطق مرکزی و پیرامونی است (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۷: ۹۸).

مفهوم «استراتژی توسعه منطقه‌ای»^۱ از آخرین دستاوردهای نظریه‌پردازی در این حوزه موضوعی است که از طراحی و انجام آن، بالابردن ظرفیت و توانمندی مناطق برای فعال‌سازی استعدادهای بالقوه انتظار می‌رود. نکته مهم و قابل توجه در مفهوم استراتژی توسعه منطقه‌ای آن است که این مهم در واقع نوعی سند بالادستی کلیدی در حوزه برنامه‌ریزی محسوب می‌شود

^۱. Regional Development Strategy

که باید در هماهنگی و تطبیق دقیق با سیاست‌های کلی و اسناد بالادستی ملی، مدل توسعه یک منطقه را تنظیم سازد (ياسوری و سجودی، ۱۳۹۷: ۹۴). به عبارت دیگر، استراتژی توسعه منطقه‌ای با دو شاخص تعیین می‌گردد. اول آنکه بایستی منطق با سیاست‌های کلان ملی باشد و نمی‌تواند بر مبنایی غیر از اسناد بالادستی که از نوعی اجماع سیاست‌گذاری در سطح ملی برخوردار است، تکیه نماید. دوم؛ تطبیق حداکثری استراتژی توسعه منطقه‌ای با شرایط و ویژگی‌های آمایش سرزمین در آن پهنه جغرافیایی است.

۲-۲. دیپلماسی اقتصادی

چنین برآورد می‌شود که دیپلماسی اقتصادی ماهیتی اقتباس یافته از مفهوم دیپلماسی را داراست و یکی از انواع آن و در عرض دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی دفاعی و مواردی از این قبیل به شمار می‌آید. ادبیات روابط بین‌الملل تعاریف متعددی را از سوی اندیشمندان این حوزه با رویکردهای مختلف ارائه داده است. برخی دیپلماسی را به معنای استفاده از مهارت و دانش جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای حاکم بر نظام بین‌الملل، برقراری و ارتقای سطح روابط سیاسی بین دولت‌ها دانسته‌اند. بعضی دیگر از دیپلماسی تحت عنوان عوامل قدرت‌ساز در بعد سیاست خارجی که راهبرد و اولویت‌های یک کشور را با سایرین مشخص می‌کند، یاد کرده‌اند (Abdurrahmanli, 2021: 582-603). در تعریفی دیگر نیز دیپلماسی را فن و هنر حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسائل، مشکلات، اختلافات بین‌المللی با استفاده از ابزار مذاکره برداشت می‌کنند (Robertson, 2004, 14 - 47) و در تفسیر سنتی، دیپلماسی یکی از ابزارهای سیاست خارجی است که موازی با دیگر ابزارها از قبیل تبلیغات، مشوق‌ها و مانع‌تراشی‌های اقتصادی و در نهایت دخالت‌های امنیتی و نظامی به کار گرفته می‌شود (هالستی، ۱۳۹۰: ۲۱۲-۲۷۹). اما در یک معنای کلی می‌توان چنین گفت که دیپلماسی ابزار تحقق سیاست خارجی بازیگران بین‌المللی در روابط با یکدیگر است. یعنی در یک چارچوب سه‌لایه‌ای می‌توان این‌گونه تصور نمود که سیاست خارجی در رابطه با روابط بین‌الملل اتخاذ می‌گردد و هر گونه اقدام برای تحقق سیاست خارجی از نوع دیپلماسی است.

گرچه دیپلماسی مقوله‌ای معاصر نبوده و عمری به درازای تاریخ حیات اجتماعی بشری دارد؛ اما به شدت متأثر از اقتضائات زمانی و شرایط محیطی است به‌طوری که در هر برهه از تاریخ نظم جهانی مفهوم و کارکرد دیپلماسی صورت‌بندی جدیدی به خود گرفته است. به‌زعم

نظریه پردازان این حوزه نظری در دوره اخیر به ویژه پس از فروپاشی شوروی و پایان درگیری شرق و غرب، تغییرات شگرفی در عرصه روابط بین الملل به وجود آورد که موجب افزایش انتظارات عمومی نسبت به عایدی مذاکره و دیپلماسی شد. در این شرایط، روابط بین الملل وارد دورانی از گذار به سمت نظم نوینی شده است که ساختار و ابعاد آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. یعنی اولاً نظام اولویت‌های سیاست خارجی کشورها به طور معناداری تغییر یافته است و ثانیاً بازیگران نظام بین المللی دیگر تنها دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین المللی نیستند (دهقانی فیروزآبادی و همکاران: ۱۴۰۰: ۱۰۳). با چنین برداشتی از مفهوم دیپلماسی به طور عام، می‌توان دیپلماسی اقتصادی را نیز متناظر روابط اقتصادی خارجی و سیاست‌های اتخاذ شده برای آن تلقی نمود؛ بنابراین دیپلماسی اقتصادی استفاده از هر ابزاری در تنظیم روابط اقتصادی با دیگر بازیگران بین المللی است (Peternel & Gress, 2021: 109-121). همین‌طور باید دقت نظر داشت که دیپلماسی اقتصادی نیز با تحولات محیطی و شرایط تاریخی اقتصاد جهانی دگرگونی‌های جدی یافته است و معنای مصطلح از دیپلماسی اقتصادی که مفاهیمی چون دیپلماسی تجاری^۱ و دیپلماسی شرکتی^۲ را در برمی‌گیرد مفهومی متأخر است. از جمله دلالت‌های این مسئله می‌توان اشاره کرد که تا چند دهه قبل دیپلمات‌ها به عنوان مجریان تنظیم و اداره روابط سیاسی بین کشورها، کمترین توجه و علاقه را به پیگیری مسائل تجاری و اقتصادی نشان می‌دادند؛ اما امروزه، برقراری روابط تجاری و اقتصادی که قبلاً به عنوان فعالیت حاشیه‌ای و کم‌رنگ در روابط دیپلماتیک تلقی می‌شد، به مرکز دیپلماسی نقل مکان کرده است (رانا، ۱۳۹۵: ۹۳).

فارغ از موضوعاتی مانند سطوح دیپلماسی اقتصادی (دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و جهانی)، مجریان (اعم از دولتی، خصوصی و بین‌دولتی) و ابزارهای آن (اعم از مذاکره، استقرار نمایندگی و خدمات کنسولی، اعمال مشوق‌ها و محدودیت‌های مالی و تجاری، مشاورهای اقتصادی و بازرگانی) آنچه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار دارد، ابعاد دیپلماسی اقتصادی است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی موظف به ایفای نقش در تأمین سیاست‌های کشورها راجع به حوزه‌هایی مانند: جذب سرمایه‌گذاری و رونق تجارت خارجی، ترانزیت، گردشگری، مقابله با تحریم‌های مالی و تجاری، جلب مشارکت سازمان‌ها و پیمان‌های

1. Commercial Diplomacy

2. Business Diplomacy

بین‌المللی اقتصادی، دریافت کمک‌های توسعه‌ای، بهبود تصویر و منزلت ملی و اتصال به زنجیره‌های ارزش در ابعاد منطقه‌ای و جهانی است.

۳. ظرفیت‌های سواحل مکران

ناحیه مکران کنونی در جنوب شرقی ایران و در امتداد دریای عمان تا حدود کراچی در جنوب غربی پاکستان قرار گرفته و مشتمل بر پنج شهرستان چابهار، کنارک، جاسک، سیریک و میناب در دو استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان است (سیاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۴-۵۵). این پهنه جغرافیایی از وجوه تاریخی - تمدنی برخوردار است. بنا به بررسی اسناد باستانی، منطقه مکران (با چند اختلاف قرائت) یکی از استان‌های (مصطلح به ساتراپ‌ها) حکومت هخامنشی گزارش شده است. هرودت مورخ یونانی قرن پنجم میلادی نیز که در دوره هخامنشیان می‌زیسته است از این منطقه به‌صورت میکیا یا ممالک میکی‌ها نام‌برده است (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴-۱۰).

در متون جغرافی‌دانان اسلامی آبادانی‌های مکران، دشت‌های حاصلخیز ساحلی و تنوع آب‌وهوایی موردتوجه قرار گرفته است (علوی و اشراقی، ۱۳۹۸: ۱۱۸-۱۲۰). ابن فقیه همدانی در کتاب مختصر البلدان (کتابی در زمینه معرفی و توصیف شهرهای بزرگ دنیا) مکران را پس از ارمنیه و آذربایجان جزو مناطق پر نعمت معرفی و از آن به‌عنوان هندوستان کوچک یاد کرده است (ابن فقیه، ۱۴۰۸ق: ۱۹۹). قزوینی در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد آورده است: ناحیه‌ای است میان زمین سند و بلاد تیز، شهرها و قریه‌های آن بسیار است (قزوینی، ۱۳۷۱: ۳۵۹). جیهانی در کتاب اشکال العالم که از جمله امهات کتب جغرافیایی کشورهای اسلامی است به وسعت مکران اشاره داشته و در این باره می‌نویسد: «مکران، ولایتی است بزرگ و فراخ و بیشتر بیابان» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۶). مستوفی مورخ و جغرافی‌دان قرن هشتم هجری در کتاب نزهة القلوب آورده است: «مکران، مملکتی بزرگ است از اقالیم دوم. وسعتش دوازده مرحله، دارالملکش فخرپور (بنجپور) و زراعات و عمارات بسیار و قرای بی‌شمار دارد» (مستوفی، ۱۳۶۶: ۲۷۸-۲۷۹). اما چنان‌که اشاره شد آنچه مقصود از موقعیت سواحل مکران در ادبیات متعارف بررسی‌های معاصر و پژوهش حاضر گرفته می‌شود مناطق جنوبی استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان است که از مرز پاکستان تا نزدیکی تنگه هرمز برآورد می‌شود. در تصویر شماره ۱ به این موقعیت اشاره شده است.

شکل ۱: محدوده جغرافیایی سواحل مکران



از نظر جغرافیای سیاسی، سواحل مکران در همسایگی کشورهای پاکستان، عمان، امارات متحده عربی و قطر قرار گرفته است که موجب افزایش ظرفیت‌های این منطقه در همکاری‌ها و رقابت‌های اقتصادی بین‌المللی شده است (دریاباری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۷۴). موقعیت منحصر به فرد منطقه مکران در اتصال به آب‌های آزاد اقیانوس هند امکان مسیر بین‌المللی شرق به غرب با اشتراک منافع کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا به‌ویژه چین و مسیر شمال به جنوب را با اشتراک منافع کشورهای حاشیه اقیانوس هند و آسیای مرکزی به‌ویژه در اتصال فدراسیون روسیه به هندوستان را فراهم می‌کند (متقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۸۵). ویژگی‌ها آنکه اگر طرح توسعه سواحل مکران هماهنگ با پروژه‌های بین‌المللی همچون کمربند راه تعریف شود که موضوعات دیپلماسی اقتصادی را به طور قابل ملاحظه‌ای متأثر ساخته است (Khanal et al., 2022: 2-17).

برخورداری از عوارض و فضاهای جغرافیایی ترکیبی (از جمله دریا، ساحل، کوه، بیابان، تالاب و غیره) در پهنه ساحلی مکران و همچنین سابقه تمدنی چند هزار ساله در این منطقه و پس‌کرانه آن (چنان‌که در برخی از اسناد تاریخی به‌عنوان یکی از ایالت‌ها - ساتراپ چهاردهم - با همین نام یاد شده است) امکان توسعه خدمات گردشگری و صنعت کشاورزی فراهم می‌آورد. شرایط اقلیمی (آب، خاک و هوا) سواحل مکران قابلیت‌های صنعت کشاورزی استوایی را فراهم آورده است. در این رابطه مزیت‌های ویژه در بخش زراعی، باغبانی، صیادی، پرورش و فراوری آبزیان می‌تواند از محورهای توسعه در این منطقه قلمداد شود (علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۹۱).

علاوه بر موارد یاد شده نزدیکی به دریا در حوزه‌های صنعتی، انرژی و تجارت نیز همواره حائز مزیت‌های غیرقابل‌مقایسه با مناطق دور از دریا شناخته می‌شود. بسیاری از صنایع مستلزم نزدیکی به منابع آبی دریاها هستند که از آنها تحت عنوان مصطلح به صنایع آب‌بر (مانند صنایع فولاد و ذوب‌آهن، سنگ، کاشی و سرامیک، سیمان و فراوری فلزات همچون مس) یاد می‌شود. حوزه انرژی نیز در زمینه انرژی‌های فسیلی و انرژی‌های نو همواره در خطوط ساحلی کشورهای پیشرفته توسعه می‌یابند. همچنین در حوزه تجارت خارجی باتوجه‌به سهم قریب به‌اتفاق حمل‌ونقل دریایی و لزوم کاهش هزینه در تأمین نهاده‌ها و صادرات محصولات بزرگ‌ترین مراکز تجاری جهان در امتداد دریاها و ساخت بنادر ممکن می‌شود که خط ساحلی ممتد در منطقه مکران از این مزیت برخوردار است.

۴. تحلیل پژوهش

چنان‌که اشاره شد توسعه سواحل مکران در چارچوب ادبیات توسعه منطقه‌ای نیازمند ارائه استراتژی توسعه منطقه‌ای است که باسیاست‌های بالادستی جمهوری اسلامی ایران همخوانی داشته باشد و حداکثر تناسب با ظرفیت‌سنجی این محدوده سرزمینی را داشته باشد. پژوهشی در رابطه با الگوی سیاست‌گذاری دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تحلیل مضمون اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه و ابلاغیه اقتصاد مقاومتی) انجام پذیرفته است که ابعاد و مؤلفه‌های این الگو را نشان می‌دهد. طبق نتایج این پژوهش، طرح‌واره آمده در شکل ۲ را می‌توان به‌عنوان شاکله سیاست‌گذاری دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران پذیرفت؛ بنابراین مواردی از قبیل بازطراحی سیاست خارجی با اولویت اقتصادی و رویکرد تمدنی، منطقه‌گرایی، انتقال فناوری، دیپلماسی انرژی، مقابله مخاطرات و اختلال‌های اقتصادی خارجی، ارتقای برند ملی ایران، بهبود تجارت خارجی، بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تعامل سازنده با رژیم‌ها و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، تقویت لجستیک تجاری، تدوین نقشه راه و بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی، ابعاد الگوی سیاست‌گذاری دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

شکل ۲. مدل شبکه مضامین دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی
منبع: (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴)



مطابق با مدل استخراجی آمده در شکل ۲، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از ابعادی مانند رونق تجارت خارجی، گردشگری، بهبود تصویر ملی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری، افزایش سهم از بازار جهانی انرژی، کاهش اثر تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه خارجی علیه اقتصاد ایران، باز طراحی سیاست خارجی با اولویت اقتصادی و رویکرد تمدنی، منطقه‌گرایی با اولویت حوزه همسایگی، فعال‌سازی تعامل سازنده با سازمان‌ها و پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی، بهره‌برداری از موقعیت ممتاز جغرافیایی در مسیرهای بین‌المللی و تقویت لجستیک تجاری کشور برخوردار است.

انطباق میان ظرفیت‌های شناسایی شده در سواحل مکران با ابعاد و مؤلفه‌های الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، چنین نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی امکان لازم برای اتخاذ با عنوان استراتژی توسعه منطقه‌ای در این رابطه را داراست. زیرا:

۱. منطقه مکران می‌تواند با تکیه بر موقعیت کم‌نظیر اتصال میان شرق - غرب و شمال - جنوب با تعداد همسایگان پرشمار، ایران را همچنان که در گذشته در مسیرهای اصلی تجاری همچون جاده ابریشم و جاده ادویه بوده است مجدداً به محور راهبردی ترانزیت کالا و انرژی تبدیل سازد. مسیر شمال - جنوب که اقتصاد نوظهور هند را به بازار آسیای مرکزی، روسیه و قفقاز جنوبی متصل می‌کند وابستگی معناداری به ظرفیت‌های بندر چابهار خواهد داشت. از سوی دیگر وجود رقابت‌های ژئواکونومیک با توسعه جبل علی در امارات متحده عربی، گوادر در پاکستان، بندر فاو در عراق، گسترش مناطق آزاد تجاری در عمان برای فعال‌سازی نقش صادرات مجدد (ReExport) و همچنین طرح‌هایی مانند CPEC و IMEC فعالیت جدی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با توسعه سواحل مکران را پررنگ‌تر می‌سازد. در این رابطه توسعه سواحل مکران می‌تواند تراز لجستیک تجاری کشور را با بهره‌برداری از دیپلماسی اقتصادی پویا و مؤثر به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند ارتقای عملکرد بنادر ایران به نسل سوم و چهارم، هوشمندسازی رویه‌ها و زیرساختی گمرکی و توسعه اتصالات و ناوگان ریلی، جاده‌ای، فرودگاهی و دریایی به طور محسوسی ارتقا بخشد.

۲. این سواحل با برخورداری از جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی، ورزشی و امکان بالقوه در ایجاد قطب بهداشت و درمان می‌تواند نقش مؤثری در بهبود شاخصه‌های اقتصادی منطقه و حتی کشور ایفا نماید. خط ساحلی ممتد همراه با زنجیره کوه‌های

مریخی، پهنه دریایی متصل به اقیانوس هند، آب‌وهوای گرم استوایی در فصول سرد سال و جاذبه‌های نظیر تالاب‌ها، گل‌افشان‌ها، صخره‌های دریایی، برخورد بی‌واسطه دریا و کوه و بیابان از این جمله‌اند. سوابق تاریخی چند هزارساله باعث شده است تا آثار تاریخی و فرهنگی کم‌نظیری در شهرهای ساحلی، کرانه و پس‌کرانه مکران پدید آید. تلفیق فرهنگ و هنر ایرانی، عربی و هندی نیز صنایع دستی این منطقه را از مزیت‌های کافی در بازاریابی بین‌المللی برخوردار می‌سازد. ورزش‌های دریایی و بیابانی نظیر قایق‌سواری، رالی، موج‌سواری و پارک‌های آبی نیز می‌تواند در تمام شهرهای ساحلی این منطقه مقصد گردشگران خارجی باشد. همچنین جمعیت ساکن در کشورهای هم‌جوار از جمله عمان، پاکستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و حتی افغانستان که پیوندهای نژادی و قومی - قبیله‌ای با مردم بومی منطقه دارند نیز می‌تواند هدف طراحی یک قطب بهداشت و درمان در منطقه مکران باشد.

۳. توسعه سواحل مکران می‌تواند به‌عنوان یکی از قابلیت‌های ساخت تصویر ایران و ارتقای برند ملی کشور شناخته شود. یعنی بتواند با برخورداری از ابعاد بین‌المللی که توسعه منطقه‌ای مکران دارد تصویری الهام‌بخش از الگوی بومی پیشرفت را ارائه کند و گونه‌ای نرم از منابع قدرت دریایی برای ایران فراهم آورد. ویژه‌تر آنکه تصویر نامطلوب از این منطقه نزد ایرانیان و تردید ساکنین بومی در اراده به توسعه منطقه مکران یک عامل بازدارنده خواهد بود.

۴. پروژه‌های توسعه‌ای در این منطقه توجیه اقتصادی کافی برای جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی را دارا است. البته تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی بایستی در چارچوب فهرستی از پروژه‌ها که از صرفه اقتصادی برخوردار است انجام بگیرد. کشورهایی نظیر چین، هند، روسیه، افغانستان، ژاپن، حوزه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی از جمله مناطق هدف در جلب مشارکت ذی‌نفعان توسعه سواحل مکران خواهند بود. علاوه بر این سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور نیز می‌تواند محل تأمین منابع لازم برای توسعه این خط ساحلی قلمداد شود. هم‌چنین استفاده از ظرفیت مؤسسات بین‌المللی نظیر بانک توسعه اسلامی^۱، بانک جهانی^۲، بانک توسعه و زیر

^۱. Islamic Development Bank

^۲. World Bank

ساخت آسیایی^۱ و بانک توسعه نوین بریکس^۲ می‌تواند در تأمین مالی توسعه سواحل مکران مدنظر باشد. از جمله اثرات جانبی مثبت که در هدایت سرمایه‌گذاری‌های خارجی مورد توجه مناطق میزبان قرار می‌گیرد موضوع انتقال فناوری‌های صنعتی و مهارت‌های سرمایه انسانی است. در همین رابطه گشایش سرمایه‌گذاری از دیگر کشورها علاوه بر رشد اقتصادی موردنظر می‌تواند شاخص بهره‌وری را نیز با انتقال فناوری و بهبود عملکرد سرمایه‌های انسانی ارتقا ببخشد.

۵. سواحل مکران این امکان را داراست که با برخورداری از امکانات طبیعی لازم برای تولید و تجارت انرژی‌های تجدیدپذیر و فسیلی، سهم ایران از بازارهای بین‌المللی انرژی را تقویت نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که انواع انرژی‌های نو از جمله بادی، زمین گرمایی، حاصل از جزرومد و خورشیدی، توجیه فنی و اقتصادی لازم در مناطقی از سواحل مکران را داراست. همچنین منابع هیدروکربنی و زنجیره ارزش آن در بالادست و پایین دست می‌تواند سهم ایران از بازار نفت، گاز و فراورده‌های آن را بیشتر نماید و جذابیت لازم در پیوند با قدرت‌های نوظهور صنعتی که تقاضای انرژی بالا و امنی را در سال‌های آتی خواهند داشت، فراهم آورد.

۶. طرح توسعه سواحل مکران می‌تواند نمونه‌ای از راهبرد مقابله با تحریم‌ها و کاهش آثار ناشی از تکانه‌های اقتصادی در بازارهای داخلی ایران باشد. تجربه معافیت تحریمی بندر چابهار و همچنین افزایش پیوندهای متنوع با دیگر کشورها به معنای افزایش هزینه تحریم در معادله هزینه - فایده برای طرف تحریم‌کننده خواهد بود. در همین رابطه توسعه سواحل مکران می‌تواند با تکیه بر رونق تجارت خارجی متنوع و جذب سرمایه‌گذاری از دیگر کشورها و همچنین اتصال به زنجیره‌های ارزش تولیدی، تجاری و ترانزیتی در ضمن سلب امکان تحریم این منطقه، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آثار مخرب تحریم‌های اقتصادی بر بازار ارز، تأمین نهاده‌های تولیدی، صادرات محصولات ساخت ایران را کاهش دهد.

۷. این طرح توسعه‌ای می‌تواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در تنظیم مناسبات با محیط منطقه‌ای و جهانی با محوریت یک کلان پروژه اقتصادی تعریف نماید. در همین رابطه الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که دلالت‌هایی مبتنی

1. Asian Development Bank

2. New Development Bank

بر اولویت همکاری با جهان اسلام، تقویت حوزه نفوذ تمدن نوروز و نقش آفرینی در بازار محصولات حلال دارد را می‌توان در چارچوب برنامه توسعه سواحل مکران دنبال نمود.

۸. سواحل مکران قابلیت کافی را دارد تا یکی از مراکز ثقل مناسبات دوجانبه و چندجانبه ایران با اقتصاد منطقه همسایگی در محور شرق و جنوب به شمار آید. همکاری‌ها و رقابت‌های ایران و پاکستان، عمان، امارت متحده عربی، بحرین، قطر، افغانستان و هند می‌تواند در وهله نخست معطوف به این منطقه قرار گیرد. به عبارتی دیگر سواحل مکران موقعیت جغرافیایی مشخصی در کیفیت حسن هم‌جواری، همکاری‌های اقتصادی و رقابت‌های راهبردی میان ایران و کشورهای یاد شده خواهد بود. در همین رابطه توسعه سواحل مکران زمینه جدیدی را در سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد.

۹. استخدام دیپلماسی اقتصادی در مسیر توسعه سواحل مکران یکی از دستور کارهای جدی جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بین‌المللی اقتصادی می‌باشد. در دوره معاصر از روابط بین‌الملل، رژیم‌ها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی از جمله ابعاد مهم در طراحی و پیاده‌سازی دیپلماسی اقتصادی کشورها بشمار می‌آید. طرح توسعه سواحل مکران چنانچه متناسب با پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و اشتراک منافع اقتصادی با این‌گونه ذی‌نفعان تعریف شود می‌تواند در دستور کار نهادهای اقتصادی بین‌المللی نظیر سازمان همکاری‌های شانگهای^۱، گروه موسوم به بریکس^۲، سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC)^۳، گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه (D8)^۴، نهادهای مالی بین‌المللی که در امر تأمین مالی و همچنین تخصیص کمک‌های توسعه‌ای فعالیت می‌کنند (مانند بانک توسعه نوین بریکس، بانک توسعه اسلامی، بانک توسعه و زیرساخت آسیایی و بانک جهانی) قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های جغرافیای سیاسی برای هر کشور بهره‌مندی از منابع آبی دریایی و اتصال از طریق آب‌های بین‌المللی به دیگر کشورهاست. همواره تمدن‌های بزرگ در کشورهای

^۱. Shanghai Cooperation Organization

^۲. BRICS

^۳. Organisation of Islamic Cooperation

^۴. D-8 Organization for Economic Cooperation

دریایی حاصل شده است و بررسی تاریخی نشان می‌دهد که سیادت دریایی و قدرت‌یابی بین‌المللی دو متغیر همگرا هستند. امروزه قریب به سه میلیارد نفر در جهان متکی به دریا، سواحل و جزایر امرامعاش می‌کنند. ۹۰ درصد تجارت جهانی در حمل‌ونقل دریایی جریان دارد و ۷۰ درصد جهان در مناطق ساحلی و جزایر سکونت یافته‌اند. موهبت الهی اتصال ایران به هر سه گونه از دریاها اعم از دریای بسته (خزر)، نیمه‌بسته (خلیج فارس) و باز (دریای عمان/ مکران) کم‌نظیر است و همین عنصر جغرافیایی باعث شده است تا مردم ایران در طول دوران درخشان تمدنی خود از زیست دریایی و دریانوردی‌های راه دور برخوردار باشند. هرچند به تدریج با قدرت‌یابی دریایی دولت‌های استعماری، ضعف علمی و صنعتی، اقتصاد ایران از دریا فاصله گرفته است.

ابلاغیه سیاست‌های کلی توسعه دریا محور، توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منطقه همسایگی (که به طور عمده همسایگی از نوع دریایی است) و حرکت پرشتاب رقابتی منطقه‌ای ضرورت این امر را واضح می‌سازد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با محوریت دیپلماسی اقتصادی می‌تواند از توسعه دریا محور پشتیبانی نماید. به عبارتی دیگر دیپلماسی اقتصادی که متولی تنظیم و اداره روابط اقتصادی خارجی با دیگر بازیگران بین‌المللی است سهم عمده‌ای از الزامات توسعه دریا محور را به خود اختصاص می‌دهد؛ زیرا به طور اساسی توسعه دریایی مقوله‌ای با ابعاد بین‌المللی است که در گرو همکاری‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در سطوح دوجانبه و چندجانبه خواهد بود. در این میان توسعه سواحل مکران در منطقه جنوب شرقی جغرافیای ایران (سواحل استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان) مبتنی بر ادبیات توسعه منطقه‌ای، نیازمند اتخاذ راهبردی است که در هماهنگی با اسناد بالادستی ملی (نظیر سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سند چشم‌انداز، ابلاغیه اقتصاد مقاومتی) باشد و امر توسعه با همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی دائر مدار آن راهبرد طراحی و اجرا گردد.

بررسی خصوصیات (اعم از امکانات و نیازمندی‌ها) سواحل مکران نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی می‌تواند راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) در این پهنه جغرافیایی باشد. به عبارتی دیگر سواحل مکران قابلیت لازم برای پیاده‌سازی الگوی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که مستخرج از اسناد یاد شده است را داراست. در همین رابطه پیاده‌سازی دیپلماسی اقتصادی در توسعه منطقه‌ای سواحل مکران می‌تواند محوریت اقتصاد در سیاست

خارجی، منطقه‌گرایی با اولویت همکاری‌های حوزه همسایگی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری، دیپلماسی انرژی، فعال‌سازی بهره‌برداری از نهادهای اقتصادی بین‌المللی، تقویت لجستیک تجاری کشور، ارتقای برند ملی ایران، مقابله با تحریم‌ها و تکانه‌های طبیعی اقتصاد جهانی، استفاده از مزیت جغرافیای سیاسی کشور در تنظیم مناسبات خارجی، بهبود تجارت خارجی با افزایش کمی صادرات و متنوع‌سازی سبد تجاری کشور (اعم از محصول و شریک) و اقدام مبتنی بر نقشه راه که همگی ابعاد مستخرج از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران بشمار می‌آیند را پیگیری نماید. به عبارتی دیگر سواحل مکران این امکان را دارد که هم به جهت اتصال به آب‌های آزاد و هم به جهت مجاورت با جریان حمل‌ونقل دریایی به‌عنوان یکی از پایانه صادراتی و وارداتی اصلی کشور مورد بهره‌برداری قرار بگیرد و هم با تکیه بر ظرفیت صنایع متناسب با مزیت‌های نسبی این منطقه همچون کشاورزی و باغداری استوایی، شیلات و پرورش آبزیان به‌ویژه ماهی و میگو، استخراج و فراوری‌های معدنی، کشتی‌سازی و خدمات مرتبط با آن نظیر سوخت‌رسانی و تعمیر شناورها^۱، تولید و انتقال انرژی‌های تجدیدپذیر (مانند انرژی بادی، زمین‌گرمایی و حاصل از جزرومد) و انرژی‌های فسیلی با زنجیره ارزش‌افزوده آن در پایین‌دست و بالادست، خدمات مالی فراساحلی^۲ و گردشگری که به طور خاص توضیح داده خواهد شد رونق تجاری این منطقه را در ابعاد کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ تأمین سازد که این مهم مستلزم درک به‌روز از ابتکارها و پروژه‌های منطقه‌ای و جهانی و تناسب با آنها، جلب و هدایت سرمایه‌های خارجی و رونق تجارت خارجی با الزامات بازاریابی بین‌المللی است که شرح آن به جزئیات در تحلیل پژوهش حاضر آمده است.

منابع و مأخذ

فارسی:

ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۰۸ق)، *مختصر البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ابوالقاسمی، محسن، مصفا، سامان، قائم‌مقامی، احمدرضا و زاهدی، فرح (۱۴۰۰)، «دریای مکران در اسناد و منابع تاریخی»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، دوره ۲۸، شماره ۲۸، ۲-۱۴.

^۱. Bunkering

^۲. Offshore

احمدی، سیروس و کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۳۷۹)، «قیانوس هند و ضرورت‌های ارتقای سواحل مکران»، همایش فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور.

ارغوانی پیر سلامی، فریبرز و غلامی، محمدحسن (۱۳۹۷)، «دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه‌های توسعه: آسیب‌شناسی برنامه‌های چهارم تا ششم»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ۱۰، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲۸، صص ۱-۲۷.

پری‌زادی، طاهر و میرزازاده، حجت (۱۳۹۷)، «توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی»، دوره ۱۸، شماره ۵۵، ۱۷۹-۱۹۸.

جیهانی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۸)، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: به نشر، آستان قدس رضوی.

حافظنیا محمدرضا، علمدار اسماعیل، رضایی سکه روانی داود (۱۳۹۹)، «نقش توسعه سواحل مکران و راهبرد دریا گرایی ایران بر توسعه محور شرق کشور»، *آمایش سیاسی فضا*، دوره ۲، شماره ۲، ۸۱-۹۴.

حافظنیا، محمدرضا و رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴)، «تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرقی ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)»، *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۲، شماره پیاپی ۶، ۵-۲۰.

خنیفر، حسن، مسلمی، ناهید (۱۳۹۶)، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: نگاه دانش.

دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷)، «تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش رو»، *فصلنامه سیاست خارجی*، دوره ۴، شماره ۳۲، ۹۱-۱۵۸.

دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۲)، «دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۳، شماره ۹، ۶۷-۸۶.

دریاباری، سید جمال؛ هارون بحری، سیاوش؛ خانجان زاده کاکرودی، شقایق؛ حاجی محمدلو، محمد و پزشکی، مهدی (۱۳۹۷)، «آمایش سرزمینی و توسعه سواحل مکران با تأکید بر مکان‌یابی و احداث شبکه‌های حمل‌ونقل در راستای ارتقای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک»، *فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، دوره ۱۰، شماره ۲، ۱۵۱-۱۷۴.

دلیری، شهربانو (۱۳۹۱)، «جایگاه مکران در مسیر جادهٔ ادویه»، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، توکلی، رضا و عربپور، امیرحسین (۱۴۰۰)، *دیپلماسی اقتصادی: روندها و چشم‌انداز منطقه‌ای و جهانی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

رانا، کیشان. اس (۱۳۹۵)، *دیپلماسی دوجانبه*، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: وزارت امور خارجه.

رحمتی، مراحم (۱۳۹۴)، «بررسی مزیت‌های منطقه‌ای سواحل مکران با رویکرد اقتصاد مقاومتی»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات زیربنایی.

سجادپور، سید محمدکاظم، حسینی، سید شمس‌الدین، و نیرآبادی، حمید (۱۳۹۸)، «طراحی مدل دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بایسته‌ها، مؤلفه‌ها و راهبردهای کلیدی»، *امنیت ملی*، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۳۸۹-۴۲۶.

سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، قابل‌دسترس در: <https://olgou.ir/images/olgou/sanad-virastari-14.pdf>

سیاری، حبیب‌الله و خانزادی، حسین (۱۳۹۵)، «الگوی توسعه سواحل مکران با تأکید بر احیاء قدرت دریایی»، *مطالعات دفاعی استراتژیک*، دوره ۱۴، شماره ۶۶، صص ۳۲-۵.

سیاری، حبیب‌الله، عرب‌پور، امیرحسین، توکلی، رضا (۱۴۰۱)، «جایگاه برند ملی در مدل توسعه منطقه‌ای سواحل مکران (مبتنی بر تحلیل اسناد بالادستی)»، *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، دوره ۱۱، شماره پیاپی ۴۳، صص ۷۸-۵۱.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)، قابل‌دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>

صادقی شاهدانی، مهدی، توکلی، رضا، عرب‌پور، امیرحسین. (۱۴۰۰)، «الگوی تدوین سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بررسی اسناد بالادستی»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۹، ویژه‌نامه سال ۱۴۰۰، صص ۱۰۶-۱۳۰.

طباطبایی، سید علی (۱۳۸۸)، «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی‌شدن»، *مطالعات سیاسی*، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۲۵-۱۴۸.

علوی نصرت خاتون، اشراقی، احسان (۱۳۹۸)، «جغرافیای تاریخی مکران در سده‌های میانه اسلامی»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۱۰۹-۱۳۲.

علیقلی زاده فیروزجایی، ناصر (۱۳۹۱)، «ضرورت و اهمیت توسعه گردشگری در سواحل مکران (مطالعه موردی: شهرستان چابهار)»، همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۱)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه محمدمراد بن عبدالرحمان، تصحیح محمد شاه مرادی، تهران: دانشگاه تهران.

لطفی، حیدر و میرزاجانی، محسن (۱۳۹۶)، «نقش و تأثیر سواحل خلیج فارس و منطقه مکران در اقتصاد بین‌الملل و تأثیر استراتژیکی آن بر ایران با ارائه یک مدل راهبردی در توسعه اقتصادی و سیاسی»، *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، دوره ۷، شماره ۲۹، صص ۵۷-۹۱.

متقی، افشین، افشار، حسین و مال‌داری، حسن (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اهمیت سواحل مکران در منطقه‌گرایی ایران»، *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۸۵-۱۰۱.

مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر بن محمد بن نصر (۱۳۶۶)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری. هالستی، کی. جی. (۱۳۹۰)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هراتی، جواد و قدرتی، سعید (۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه حمل‌ونقل دریایی در توسعه مناطق دریایی جنوب: مطالعه موردی سواحل مکران»، همایش ملی فرصت‌های کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در سواحل مکران ایران.

یاسوری، مجید و سجودی، مریم (۱۳۹۷)، «استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) راهکاری جهت تمرکززدایی (مطالعه موردی شهرستان رشت)»، *آمایش محیط*، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۷۱-۹۶.

انگلیسی:

- Abdurahmanli, E. (2021). Definition of diplomacy and types of diplomacy used between states. *Anadolu Akademi Sosyal Bilimler Dergisi*, 3(3), 580-603.
- Baranay, P. (2009). *Modern Economic Diplomacy*. Available at: http://www.lv/mi/Baranay_Pavol_eng1.pdf
- Bayne, N., & Woodlock, S. (2011). *The New Economic Diplomacy: Decision Making and Negotiation in International Economical Relations* (3rd ed.). LSE Publication.
- Coopre, C., & Fitz Gerald, E. V. (2016). *Development Studies Revisited, Twenty-Five Years of Journal of Development Studies*. Abingdon: Routledge.
- Flyvbjerg, B. (2006). Five misunderstandings about case study research. *Qualitative Research*, 5(2), 219-245.
- Jönsson, C., & Hall, M. (2005). *Essence of Diplomacy* (Studies in Diplomacy and International Relations). New York: Palgrave Macmillan.
- Peternel, I., & Gress, M. (2021). Economic diplomacy: Concept for economic prosperity in Croatia. *Economic Research*, 34(1), 109-121.
- Pritchett, L. (2021). *National Development Delivers: And How! And How?* Center for International Development at Harvard University, 1(398), 1-49.
- Rana, K. S. (2007). *Economic Diplomacy: The Experience of Developing Countries*. In N. Bayne & S. Woolcock (Eds.) , *The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiation in International Relations*. The London School of Economics and Political Science, UK.
- Robertson, D. (2004). *The Routledge Dictionary of Politics* (3rd ed.). Routledge.
- Stake, R. E. (2005). *Qualitative Research: Studying How Things Work*. Guilford Press.
- Yin, R. K. (2014). *Case Study Research: Design and Methods* (5th ed.). Sage.
- Khanal, A., Rahman, M. M., Khanam, R., & Velayutham, E. (2022). *Exploring the Impact of Air Transport on Economic Growth: New Evidence from Australia*.

